

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۶ دسمبر ۲۰۲۴

مهدی نصیری آخوند بدون عباء و عمامة جمهوری اسلامی ایران!

مهدی نصیری، از روزنامه‌نگاران و تحلیل‌گران معروف جمهوری اسلامی ایران است که طی سفری به خارج، بحث «تاجزاده-شاهزاده» را در بی‌بی‌سی فارسی راه انداخت و در میزهای گرد مختلفی از جمله با تحلیل‌گران سلطنت‌طلب و...، طرح پیشنهادی خود را در راستای اتحاد اصلاح‌طلبان و جمهوری‌خواهان و سلطنت‌طلبان در جهت «سرنگونی جمهوری اسلامی»، تشریح کرد. اما اخیراً راهی ایران شد بدون این که با کمترین مشکل امنیتی روبه‌رو گردد.

اما روشن نیست که آیا مهدی نصیری از سوی اصلاح‌طلبان حکومتی و یا خود نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی چنین مأموریتی داشت یا نه؟! آیا این طرح برای شکاف انداختن بین جمهوری‌خواهان و سلطنت‌طلبان بود؟ آیا هدف مسخره کردن سلطنت‌طلبان و در رأس همه شخص «رضا پهلوی» بود یا نه؟ و...

مهدی نصیری تحصیل دروس حوزه‌ئی را از سال ۱۳۵۴ در حوزه علمیه دامغان نزد پدر (که خود تحصیل کرده حوزه علمیه نجف بود و به مقام اجتهاد رسیده بود) و در سال ۱۳۵۸ برای ادامه تحصیل عازم حوزه علمیه قم شد و تا سال ۱۳۶۶ دروس سطح حوزه را ادامه داد. در سال ۱۳۶۵ همکاری با مؤسسه مطبوعاتی کیهان را در قم آغاز و یک سال بعد برای ادامه همکاری به تهران رفت و به‌عنوان دبیر سرویس مقالات روزنامه کیهان کار مطبوعاتی را ادامه داد و مقالات متعددی در زمینه مسائل سیاسی و فرهنگی نوشت.

در سال ۱۳۷۰ با دستور آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی به‌عنوان مدیر مسؤول روزنامه کیهان منصوب گردید و تا سال ۱۳۷۴ در این سمت فعالیت کرد. در همین سال‌ها با آغاز درس خارج فقه آیت‌الله خامنه‌ای به‌مدت دو سال در این درس شرکت کرد. و... اما روشن نیست که نصیری چرا ملبس به عباء و عمامة نیست و کت و شلوار می‌پوشد؟

در هر صورت مهدی نصیری «حزب الهی» تمام عیار بود. بعد از پروژه ضدیت با مدرنیته رفته بود سراغ مخالفت با فلسفه و عرفان. سپس به دنبال «تاجزاده-شاهزاده» و... حال ببینیم فردا سراغ چه گرایشی و چه مأموریتی خواهد رفت؟ ظاهراً مهدی نصیری برای دیدار با فرزندان خود، به کانادا سفر کرده بود اما بحث اتحاد «شاهزاده-تاجزاده» را به تاریخ اردیبهشت ۱۴۰۳ - مه ۲۰۲۴ در بی‌بی‌سی راه انداخت و مورد استقبال سلطنت‌طلبان قرار گرفت.

مهدی نصیری در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی، فتوا داده بود که «اپوزیسیون شکاف بین مصطفی تاجزاده و رضا پهلوی را با یک اتحاد پر کنند.»؟! این فتوای او، با استقبال قلم به‌دستان سلطنت‌طلبان به ویژه «امیر طاهری» و رسانه‌های این طیف قرار گرفت.



در داخل ایران هم روزنامه اصلاح‌طلبان و هم اصول‌گرایان در مخالفت و موافقت با او قلم‌فرسائی کردند. او پس از جنجال آفرینی و حتی دفاع از حمله آمریکا اسرائیل به ایران برگشت بدون این که در فرودگاه و یا بعد از آن مورد بازخواست وزارت اطلاعات و قوه قضائیه جمهوری اسلامی قرار گیرد. اکنون در ملاقاتی با نرگس محمدی که اخیراً از زندان آزاد شده است به‌نظر می‌رسد دهن‌کجی بزرگی به «رضا پهلوی» و طرفدارانش نشان داده است. نرگس محمدی به تازگی از زندان آزاد شده است. نصیری در اینستاگرام نوشت: «دیروز به دیدار خانم نرگس محمدی بانوی مبارز و برنده جایزه صلح نوبل که به دلیل درمان در مرخصی از زندان به سر می‌برد رفتم...» نصیری در سخنان خود در بی‌بی‌سی، خانم نرگس محمدی را نیز در صف تاجزاده-شاهزاده معرفی کرده است.



نصیری در دیدار با نرگس محمدی

مهدی نصیری کیست؟

مهدی نصیری متولد سال ۱۳۴۲ است، در دامغان سمنان. آنقدر شوق حوزه علمیه دارد که حتی مدرسه را تمام نمی‌کند و به حوزه می‌رود، از ۱۲ سالگی. داشتن خانواده روحانی هم البته در این مسئله بی‌تاثیر نبوده. از اوایل انقلاب برای درس خواندن به قم می‌رود و تا سال ۱۳۶۵ در این شهر اقامت می‌کند و درس می‌خواند. در این مدت تحصیل در دوره مدرسه را هم به پایان می‌رساند، دیپلم می‌گیرد و حتی در دانشگاه هم الهیات می‌خواند. سال ۱۳۶۵ برای نخستین بار یک مقاله در کیهان منتشر می‌کند و همکاری‌اش با این روزنامه را آغاز می‌کند. کمی بعد به او پیشنهاد می‌شود که مسئول نمایندگی کیهان در قم شود و سال بعد به او پیشنهاد می‌شود به تهران بیاید و دبیر

سرویس مقالات روزنامه شود. در شهریور ۱۳۶۷ عضو شورای سردبیری روزنامه می‌شود و کمی بعد سردبیر روزنامه و دو سال بعد، مدیریت مسئولی روزنامه نیز به نام او می‌خورد.

او تا سال ۱۳۷۳ که حسین شریعتمداری به روزنامه کیهان می‌آید، در این روزنامه می‌ماند و بعد از آن نشریه‌ای برای خودش می‌زند به نام «صبح». نشریه‌ای که تا سال ۱۳۷۸ تقریباً به مدت چهار سال منتشر می‌شود. او از سال ۱۳۸۰ به مدت چهار سال معاون سیاسی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور و از سال ۱۳۸۴ به مدت ۴ سال معاون فرهنگی دفتر نمایندگی رهبری در امارات بود و به جز همه این‌ها او دو نشریه ماهنامه «سیاحت غرب» را برای مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما در قم و فصلنامه «سمات» را برای مطالعات دینی منتشر می‌کرد و مسئول انتشارات «کتاب صبح» هم بود که عمدتاً آثاری در حوزه غرب‌شناسی منتشر می‌کرد.

او حتی تا سال ۱۳۹۷ در حلقه اصول‌گرایان است و حتی داور جشنواره عمار می‌شود. اما ظاهراً او از سال ۱۳۹۸ گاهی به نقد حکومت می‌پردازد. اما او از سال ۸۹ به این سو، رسماً و علناً در میزگردها و رسانه‌های حکومتی فعالانه ظاهر شده و انتقاداتی نیز به حکومت وارد کرده است.

در آخرین روزهایی که نصیری مدیرمسئول نشریه «صبح» بود، در یک مصاحبه به موضوع فسادهای مالی و اداری در کشور پرداخت. او در این گفت‌وگو جهت‌گیری‌های تند و تیزش را یک بار دیگر به رخ کشید و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را «مبدأ بروز فسادهای مالی و اداری» دانست.

او باز هم به هاشمی رفسنجانی اما بدون بردن نام حمله کرد: «پس از جنگ ظهور و غلبه برخی گرایشها و دیدگاه‌ها، از سوی نهادها و قوای سه‌گانه نظام در جامعه، جهت حرکت انقلاب از معنویات و آرمان‌گرایی و خدامحوری را به سمت دنیاخواهی و کامجویی و سپس توسعه، سوق داد. از نتایج این افول و تغییر جهت، غلبه فکری و اجرایی جریان توسعه‌مدار تکنوکرات و غرب‌گرا بر بخش‌های گسترده‌ای از مقدرات کشور بود. کم‌اعتنائی به عدالت علوی و عدم برخورد جدی با مظالم و مفاسد اقتصادی، از ویژگی‌های فکری و خصالتی چنین جریانی بود.»

او به دولت خاتمی هم حمله‌ای تند کرد و گفت: «حضور وزیران دولت قبلی در کابینه آقای خاتمی و سپردن وزارتخانه‌های مهم‌تر به برخی وزیرانی که در وزارتخانه‌شان بیش‌ترین حجم فساد مالی رخ داده بود، نشان داد هنوز عزم جدی برای برخورد با این مساله به وجود نیامده است. توسعه‌مداری و گرایش به ارزش‌های غربی در دولت جدید ابعاد تازه‌ای یافته و مقوله توسعه‌سیاسی، دموکراسی و نسبیت‌اندیشی نیز به آن افزوده شده‌اند.» مطالبی که حرف دل علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران بود.

این همان خطی بود که نصیری در زمان کیهان و سه سال ابتدائی نشریه صبح درباره دولت هاشمی رفسنجانی پی می‌گرفت؛ و البته از ۷۶ تا ۷۹ هم‌زمان درباره دولت اصلاحات و سازندگی داشت. او طرز فکری با گرایش‌های چپ‌گرایانه اقتصادی و محافظه‌کارانه سیاسی را هم‌زمان پیگیری می‌کرد.

سال ۱۳۸۰ نهایتاً امتیاز نشریه صبح را هم واگذار کرد و به‌عنوان آخرین سنگر در صبح را هم تحویل داد. او آذر ماه آن سال اعلام کرد که امتیاز «صبح» را به «فروز رجائی‌فر» از تسخیرکنندگان سفارت امریکا در تهران منتقل کرد. او سال ۸۰ به عنوان معاونت سیاسی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور تا سال ۱۳۸۴ مشغول به کار بود؛ از این سمت به امارات متحده عربی رفت؛ به‌عنوان «معاونت فرهنگی دفتر نمایندگی رهبر جمهوری اسلامی.» سال ۱۳۸۸ به قم بازگشت و در آنجا برای مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ماهنامه «سیاحت غرب» را مدیریت و منتشر کرد.

مدتی بعد فصلنامه‌های «معرفتی-اعتقادی» با نام «سمات» را منتشر کرد؛ این بار هم در نقش مدیر مسئول و صاحب امتیاز. این نشریه از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ جمعا هفت شماره منتشر شد. سال ۱۳۹۱ وارد هیات داوران جشنواره فیلم عمار شد. بعد از این، گاهی انتقادات آیکی به حکومت داشت. برای مثال، وقتی برای سه معترض آبان ۹۸ حکم اعدام صادر شد، او در توئیترش خواستار عدم اجرای احکام اعدام شد: «با درایت و تعهدی که از آقای رئیسی و دوران جدید قوه قضائیه سراغ داریم حکم اعدام سه جوان آشوبگر که مرتکب قتل نشده و مسلح نبوده‌اند، اجرا نخواهد شد.»

گفت‌وگوی تاجزاده-شاهزاده؛ «تاج» و «شاه»؟

مهدی نصیری، فعال سیاسی، در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی فارسی، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۴ مه ۲۰۲۴، طرح گفت‌وگوی «تاجزاده-شاهزاده» را مطرح کرد. پیشنهاد او برای نزدیکی دو طیف متضاد مخالفان حکومت ایران، بازتابی گسترده در بین فعالان سیاسی و رسانه‌های فارسی‌زبان در داخل و خارج از ایران به دنبال داشت. فعلا مصطفی تاجزاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب که در زندان بسر می‌برد، و رضا پهلوی به این پیشنهاد واکنشی نشان نداده‌اند. مهدی نصیری در گفت‌وگو با تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، و سپس در یوتیوب، ایده خودش برای اتحاد اپوزیسیون را تشریح کرد و ادعا کرد جریان اصلی مخالفان جمهوری اسلامی ایران در دو طیف پادشاهی مشروطه و جریان جمهوری‌خواهی خلاصه می‌شود و «برای عبور مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی این دو جریان باید متحد شوند.» او ادعا کرده است که براساس نظرخواهی‌ها، جریان مشروطه پادشاهی حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد در ایران طرفدار دارد و جریان جمهوری‌خواهی نیز که بیشتر آن‌ها از «اصلاح‌طلبان بریده از نظام» هستند، ۵۰ درصد از مخالفان را تشکیل می‌دهند.

مهدی نصیری اصلاح‌طلبان را شامل طیفی از میرحسین موسوی، نرگس محمدی، فائزه هاشمی، عبدالله مومنی، جبهه ملی، گروه‌های چپ، ملی مذهبی و... می‌داند و معتقد است اصلاح‌طلبان می‌توانند برای رفع مشکلات کشور با سلطنت‌طلبان چاره‌اندیشی کنند و شکاف بین مصطفی تاجزاده و رضا پهلوی را با اتحاد پر کنند.

مدیر مسئول پیشین روزنامه کیهان، توصیه کرده است که اصلاح‌طلبان نباید به اسم «پهلوی» حساسیت نشان دهند و موضع‌گیری کنند. برای گفت‌وگو هیچ تابویی نباید بین آن‌ها باشد. به باور او متقابلا جریان مشروطه‌خواهی نیز نباید به اصلاح‌طلبان و انقلابیون ۵۷ نگاه ستیزه‌جویی و انتقام‌جویی داشته باشند.

نصیری با طرح اشکالات حکومت شاه و مقایسه عملکرد «فاجعه‌بار» جمهوری اسلامی می‌گوید نظام گذشته از عملکرد بهتری برخوردار بوده است و «روسفید» است و «نمره قبولی ۱۴» می‌گیرد.

نصیری با اشاره به مزایای نظام مشروطه و نظام جمهوری می‌گوید شکاف تاجزاده و شاهزاده با اتحاد و گفت‌وگو حل می‌شود تا روند تغییر نظام بدون خشونت و انتقام‌جویی صورت بگیرد و در نهایت مردم تصمیم بگیرند که کدام سیستم حکومتی را می‌خواهند.

واکنش‌ها به طرح تاجزاده-شاهزاده چه بود؟

بررسی واکنش‌ها به طرح تاجزاده-شاهزاده نشان می‌دهد که بخشی از انتقادها به عملکرد گذشته مهدی نصیری اشاره دارد؛ بخشی از انتقادها هم به عملکرد اصلاح‌طلبان و مصطفی تاجزاده از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبان، برمی‌گردد و بخشی نیز به نقد مواضع رضا پهلوی مربوط می‌شود. جریان چهارمی نیز در این میان وجود دارد که به‌منظر می‌رسد

طرفداران نظام و به اصطلاح «افسران جنگ نرم» باشند که تلاش دارند هر سه طرف ماجرا را در شبکه‌های اجتماعی بکوبند.

عده‌ای تلاش کردند که با توجه به تجربه‌های گذشته از جمله برنامه «گفت‌وگو برای نجات ایران» (اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲) و «نشست دانشگاه جورج تاون» (بهمن‌ماه ۱۴۰۱) به تجزیه و تحلیل این ایده بپردازند.



حامد اسماعیلیون، عبدالله مهدی، مسیح علی‌نژاد، رضا پهلوی و نازنین بنیادی

منشور «مهسا» روز جمعه ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ با امضای حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد، شیرین عبادی، نازنین بنیادی، رضا پهلوی و عبدالله مهدی منتشر شد.

حامد اسماعیلیون، عبدالله مهدی، مسیح علی‌نژاد، شاهزاده رضا پهلوی و نازنین بنیادی روز شنبه-پنجم فروردین ۱۴۰۱، با شرکت در نشستی به نام «همبستگی، پلی به سوی آزادی» که از سوی سازمان «تیرگان» در شهر تورنتو در کانادا برگزار شد، بر تداوم همبستگی و اتحاد برای سرنگونی جمهوری اسلامی تاکید کردند. در این نشست شماری از سیاست‌مداران ایرانی‌تبار در اروپا و همچنین چند سیاستمدار ایرانی در کانادا نیز حضور داشتند. بین این افراد تنها عبدالله مهدی سابقه سیاسی تشکیلات داشت و بین فاقد چنین موقعیتی بودند. اتفاقاً عبدالله مهدی زندانیان سیاسی زمان محمدرضا شاه بود که در جنبش «زن، زندگی، آزادی» در عشق رسیدن به قدرت با پسر او همراه شده است. اتفاقاً این اتحاد پس از حدود ۴۵ روز از هم پاشید و پس از آن، سلطنت‌طلبان با فرهنگ لمپنی‌شان به عبدالله مهدی، اسماعیلیون، شیرین عبادی، مسیح علی‌نژاد حمله کردند.

ظاهراً نصیری نیز همانند رضا پهلوی، به حمله خارجی به ایران چشم دوخته است. در یکی دو سال اخیر، جریان سلطنت‌طلب با همراه شدن با اسرائیل و تبعیت کردن رضا پهلوی از دولت نتانیاهو و با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ ریاست جمهوری آمریکا، فعال‌تر شده‌اند و رضا پهلوی رسماً و علناً خواهان حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران شده است. حالا مهدی نصیری نیز با قرار گرفتن در کنار پهلوی، همین موضع حمله به ایران را تکرار کرده است.

در حقیقت نصیری چه در گذشته و چه حال و احتمالاً آینده، با تمام وجود وابسته به جمهوری اسلامی است و آنچه که در خارج کشور و در رابطه با سلطنت‌طلبان انجام داد نشان دادن بی‌خاصیتی و بی‌پایگی این طیف از اپوزیسیون راست بوده است. به عبارت دیگر، یک کار امنیتی در راستای اهداف حکومت‌شان انجام داده است؛ در غیر این صورت، وزارت اطلاعات او را از همان هنگام ورودش به فرودگاه دستگیر می‌کرد و اگر اعدام هم نمی‌کردند بی‌تردید در زندان و زیر شکنجه‌های شدید قرار می‌دادند.

تکرار ماجرای «محمدرضا مدحی» این‌بار توسط «مهدی نصیری»

مهدی نصیری پس از چند ماه گفت‌وگو و دیدار با سلطنت‌طلبان و شرکت در گفت‌وگوها و میزگردهای مختلف به ایران برگشت و بار دیگر جمهوری اسلامی قدرت نفوذ خود در درون سلطنت‌طلبان و سوءاستفاد سیاسی از آن‌ها را نشان داد. پیش‌تر نیز یک سردار پاسدار به‌نام «محمدرضا مدحی» به خارج آمده و با طیف‌های سلطنت‌طلبان و ناسیونالیست‌ها دولت در تبعید تشکیل دادند و خود او، رئیس این دولت شد. او هم به ایران برگشت و فیلم تشکیل دولت در تبعید را در تلویزیون جمهوری اسلامی نشان دادند و این جریانات را رسوا کردند.

پس از بازگشت مدحی به ایران، خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز او را «مهره نظام سلطه» نامیده، خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران نیز در گزارشی از او به‌عنوان یکی از «نیروهای مرتبط با دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران» یاد کرده که در اپوزیسیون خارج نشین نفوذ کرده بوده است.

به گزارش آفتاب، خبرگزاری فارس، در این زمینه گزارش داده است: «در پی تصویب طرح تشکیل دولت در تبعید از سوی بنیاد امریکائی دموکراسی که بر اساس آن قرار بود مجموعه‌ای از نیروهای با سابقه اجتماعی و مذهبی با ایجاد شورائی اقدام به عملیات خرابکاری و در نهایت براندازی جمهوری اسلامی کنند، محمدرضا مدحی از ایرانیان مقیم خارج کشور برای اداره این دولت انتخاب شد.

سرویس اطلاعاتی امریکا این فرد را که از وجهه سابقه خدمت در نهادهای انقلابی برخوردار بود، در زمان تجارت سنگ‌های قیمتی در بانکوک به سرعت شناسائی و از طریق سفیر خود در تایلند برای همکاری با اپوزیسیون خارج کشور جذب کرد که وی در نخستین گام با تشکیل گروهی موسوم به «جنبش جمع یاران» اقدام به ارتباط گسترده با جریانات ضد انقلاب کرد.

مدحی همچنین با برخی مقامات امریکائی و همچنین نمایندگان سرویس‌های جاسوسی انگلیس و فرانسه دیدارهای متعدد داشت و آن‌ها از وی خواسته بودند که با ایجاد ارتباط گسترده با سران فتنه در داخل کشور و جذب نیرو از بدنه دستگاه‌ها و نهادهای مختلف نظام و ایجاد یک شبکه منسجم پروژه دولت در تبعید و براندازی نظام اسلامی را عملیاتی کند.

هنگامی که قرار شد در راستای این پروژه مدحی و شورای رهبری دولت در تبعید در پادگانی در تل‌آویو مستقر شوند عملیات نجات وی توسط سربازان گمنام امام زمان (عج) انجام شد و مدحی به کشور بازگشت.

اما بر اساس گزارش روز چهارشنبه خبرنگار سیاسی ایرنا، «مدحی در پروژه تعریف شده از سوی نظام سلطه و در راس آن امریکا بازیگری نقش رهبر «دولت در تبعید» پروژه مصوب بنیاد دفاع از دموکراسی (FDD) مستقر در واشنگتن را برعهده داشت که پیش از استقرار در پایگاهی اسرائیلی از سوی سربازان گمنام امام زمان (عج) که پیش‌تر در این پروژه نفوذ و حضور داشته‌اند هدایت شد و از این پروژه ضد ایرانی کناره گرفت.»

«جنبش جمع یاران» در کنفرانس گوادلوپ ۲ با همکاری نمایندگان از سرویس‌های جاسوسی کشورهای مختلف و افراد ذیل برگزار شده بود:

«علیرضا نوری‌زاده، محسن مخملباف، امیرحسین جهانشاهی، حسن شرفی (جانشین دبیرکل حزب دمکرات)، عبدالله مهدی (دبیرکل حزب کومه‌له)، موسی شریفی (نماینده حزب همبستگی اهواز)، مهرداد خوانساری، رضا حسین پور (نماینده حزب بلوچ) و ...»

نصیری همچنین در سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۴ به معاونت سیاسی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور منصوب شد. پس از پایان دوره فعالیتش در معاونت سیاسی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، معاونت فرهنگی دفتر رهبر جمهوری اسلامی در امارات را از آن خود کرد و تا سال ۱۳۸۸ در امارات ماند.

مهدی نصیری پس از بازگشت به ایران بار دیگر به قم بازگشت و در کلاس‌های درس آیت‌الله وحید خراسانی حضور پیدا کرد.



استقبال امیر طاهری از پیشنهاد مهدی نصیری

امیر طاهری، ساواکی و سلطنت‌طلب سابق و استاد کنونی رضا پهلوی، در مطلبی تحت عنوان «مهدی نصیری: زلزله‌سنج نظام تورانی...» نوشته بود: «در این میان، مهدی نصیری، یکی از سردبیران پیشین کیهان، را می‌توان از این طبقه‌بندی - یعنی چروش ۴۲ اسلامی- نیز بالاتر برد. در ۱۳۵۷، نصیری یکی از فعال‌ترین روحانیون حاضر در میدان نبرد علیه نظام پادشاهی مشروطه بود. در همان زمان، بزرگان رژیم آینده، کسانی مانند آقایان علی خامنه‌ای، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی و مهدوی کنی، با بهره‌گیری از ناشناسی، خود را دور از صحنه نگاه می‌داشتند. همه آنان منتظر بودند ببینند کدام طرف برنده می‌شود تا فوراً بپرند وسط و فریاد بزنند: انا شریک!

نصیری، اما، از همان آغاز پریده بود وسط، بی‌آنکه «انا شریک» بگوید. در چهار دهه گذشته، نصیری از مراحل گوناگون گذشته است تا به درایت سیاسی امروز خود برسد. اعتقاد شدید به حقانیت انقلاب، کوشش پیگیر برای پاک نگه داشتن آن، خودداری از سکندری خوردن شخصی یعنی نشستن بر سر سفره غارت، دوره‌ای از اعتکاف برای اندیشیدن به آینده و سرانجام عزم جزم برای قرار دادن آینه در برابر رژیمی که ترجیح می‌دهد نقابدار حرکت کند.

زدن نصیری کار آسانی نیست. سابقه انقلابی او نیز غیرقابل انکار است. او نه صاحب شرکت‌های ساخته‌شده با وام‌های بانکی دولتی است و نه شریک در طرح‌های تجاری و تولیدی که در واقع چارچوبی برای غارت مافیائی‌اند.

نصیری دکترای قلبی ندارد و آیت‌الله قلبی هم نیست. او یکی از معدود چهره‌های انقلابی است که در لواسان ویلا ندارند. نصیری مخالف تبعیدی هم نیست و علی‌رغم بعضی کوشش‌ها برای «خانه» دادن به او و تاسیس یک دکان اپوزیسیونی در خارج، تصمیم گرفته است که بلیت سفرش به کانادا برای دیدن پسرش را جیب خود بپردازد.

پس چگونه او را بزنیم؟ دو وسوسه دیرین شرفیان- یعنی پول و سکس- را نمی‌توان علیه او به کار برد. تصور اینکه او مانند دیگر بادکنک‌های سیاسی با القابی مانند دکتر، آیت‌الله العظمی، سردار، دانشمند اسلامی و... ممکن است در راه ترکیدن باد شود، نیز به گمان من، کارآمد نخواهد بود. او تا آنجا که من می‌دانم، پس از سال‌ها مطالعه، مذاقه و کشتی‌گیری با وجدان خود به نتایجی رسیده است که عزم دارد با صداقت به آگاهی هممیهنان خود برساند.»

طاهری به تعریف و توصیف خود از نصیری ادامه می‌دهد:

«پیام او به رهبران جمهوری اسلامی روشن است: میهن را در مسیری خطرناک قرار داده‌اید.

توقف کنید. فکر کنید. مسیری دیگر بجوئید!

او نشان می‌دهد که اگر ایران امروز در لبه پرتگاه جنگ قرار دارد، این وضع نتیجه سیاست‌های رهبران جمهوری اسلامی است که جنگ‌طلبی و جنگ‌افروزی را از آغاز پیشه کردند. او می‌پرسد: چه کسی کشتن مخالفان در خارج را آغاز کرد؟ چه کسی از نخستین روز، دشمنی با آمریکا و اسرائیل را به سطح یک اصل دین ارتقاء داد؟ نصیری هشدار می‌دهد: این نظام ماندنی نیست و همه کسانی که دوستدار ایران و اسلام هستند، موظف و مکلف‌اند که راهی برای گذار از این نظام بیابند تا با حداقل سوخت‌وسوز، پرونده فاجعه ۵۷ بسته شود و دوران ترور، تنش، جنگ، فساد و اختناق به پایان برسد.

نسخه خیرخواهانه نصیری کار حمله به او را دشوارتر می‌کند. او بی‌آنکه بگوید، این بیت سعدی را شعار خود قرار داده است: چو می‌بینی که نابینا و چاه است/ اگر خاموش بنشین گناه است در آغاز، یعنی از یکی دو سال پیش که نصیری نخستین انتقادات خود را منتشر کرد، مشاطه‌گران تورانی کوشیدند تا او را با توطئه سکوت حذف کنند. فرض آن‌ها این بود که یک روحانی فراموش‌شده به احتمال قوی نخواهد توانست در نقش یک ستاره سیاسی روبه‌اوج، دشمن جدی برای نظام بشود.»

امیر طاهری ادامه می‌دهد:

«نصیری از واژه‌های خشم‌آلود و تحریک‌آمیز مانند فروپاشی و براندازی استفاده نمی‌کند، اما با خونسردی کامل هشدار می‌دهد که نظام ضدملی کنونی سقوط خواهد کرد. مسئله اساسی چگونگی این سقوط است. عقل حکم می‌کند که این سقوط با درایت و طمانینه صورت گیرد. نصیری امیدوار است که گردانندگان نظام هشدار صمیمانه او را درک کنند و به عبارت دیگر، سر عقل بیابند و بپذیرند که در همه زمینه‌ها شکست خورده‌اند و می‌روند تا ایران را در جنگی ناخواسته و نالازم، به شکستی بزرگتر بکشانند. نصیری یک زلزله‌سنج است در هیئت انسان و از زلزله سیاسی که در پیش است، سخن می‌گوید.» (این‌دین‌دنت فارسی، پنج‌شنبه ۳ آبان ۱۴۰۳ برابر با ۲۴ اکتبر ۲۰۲۴)

خامنه‌ای: مهدی نصیری «جوان فاضل و انقلابی»

خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، در اردیبهشت ۱۳۶۹ و دادن حکم انتصاب به نصیری از او با عنوان «جوان فاضل و انقلابی» یاد کرده و در اولین دیدار بعد از مدیرمسئولی وقتی نصیری جوان از رهبر انقلاب می‌پرسد روزنامه را چگونه اداره کند، خامنه‌ای به او می‌گوید: «من به تشخیص تو اطمینان دارم؛ هر چه را حق تشخیص دادی، به همان عمل کن.» «من ظرف چهار سال شاید حتی یک بار هم چیزی را نپرسیدم و هر آنچه درست تشخیص می‌دادم، عمل می‌کردم. البته سالی یکی دو بار از سوی رهبری تذکراتی داده می‌شد.»

هنوز مهدی نصیری از نگاه هسته مرکزی حاکمیت، مهدی نصیری «فعال فکری و فرهنگی حزب‌الله» تلقی می‌شود چرا که او با سه دهه کار رسانه‌ای و فعالیت مطبوعات نام خود را بر پیشانی جریان «حزب‌الله» حک کرده است. سردبیر سابق روزنامه کیهان، نشریه صبح و سخنرانی در مجامع بسیج دانشجویی و گروه‌های موسوم به لباس شخصی را در کارنامه خود دارد. او در راس مهم‌ترین تریبونی‌های حکومتی نشسته است که ارتفاع صدایش از هر کس، بلندتر بوده است. اگر او در جاهائی به برخی افراد و نهادهای حکومت انتقادی دارد از سر دلسوزی و اصلاح است نه تخریب!

برای مثال، (خبرگزاری آریا، آبان ۱۳۹۹)

مهدی نصیری در گفت‌وگو با روزنامه خوزی‌ها گفت: «هم در عرصه گفتمانی و هم در عرصه کارکردی دچار اشکالات و آسیب‌های جدی و خطرناک هستیم و باید دست به اصلاح و بازنگری بزنیم.»



نتیجه‌گیری

مهدی نصیری؛ حزب‌اللهی سفت و سخت دیروز، ظاهراً به منتقد سفت و سخت امروز تبدیل شده است؛ منتقدی که رسماً و علناً در رسانه‌های حکومتی ظاهر می‌شود بدون این که مورد بازخواست قرار گیرد.

کسانی که کیهان اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ را می‌خواندند، فراموش نکردند که وی چگونه به یک فیلمساز ایرانی به دلیل تراشیدن ریش‌هایش خرده گرفت و او را از دایره حزب‌الله خارج خواند و در گام بعدی مادر آن فیلمساز را صیغه‌ای خواند و با این جمله جنجالی به پا کرد.

اکنون فردی با آن سوابق، گاهی هم طالب تند و تیزی را علیه حاکمیت منتشر کرد بی‌آن‌که بازداشت شود و یا حتی مورد بازخواست قرار گیرد. در حالی که دیگران با مطالبی خفیف‌تر از آنچه نصیری می‌نوشت، نوشته بودند بازداشت و دادگاهی می‌شدند. حال او بی‌هیچ مانعی به خارج از کشور رفته و در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی، رضا پهلوی را شاهزاده می‌خواند و او را پیشاپیش بر سریر پادشاهی می‌نشانند و از جانب کسانی که در دوره سلطنت شکنجه شدند، زندان افتادند و ستم و ظلم دیدند، سخن می‌گویند و خواهان اتحاد اطلاع‌طلبان و جمهوری‌خواهان و سلطنت‌طلبان می‌شود.

مهدی نصیری، طوری حرف می‌زند که انگار نماینده میرحسین موسوی و سخن‌گوی اصلاح‌طلبان جمهوری خواهان است که با سلطنت‌طلبان وارد بده و بستان شده است؟ انگار نصیری وکالت تاج‌زاده، فائزه هاشمی، نرگس محمدی و... را به عهده دارد؟

فردی که شما او را شاهزاده می‌خواند، حتی نتوانست یک جمع پنج نفره را برای چند ماه دور هم نگهدارد و یا یک سازمان با دوام برای جمع کوچکی از سلطنت‌طلبان درست کند؟ نصیری از کدام اپوزیسیون سخن می‌گوید؟

نصیری چه قدر مردم ایران را سازه‌نگار و گوش به فرمان فرض کرده است؟

در هر صورت مهدی نصیری، سخت دلسوز نظام اسلامی است و به گفته خودش، انتقاداتش در جهت مصلحت نظام است و نه مخالف آن.

اما سلطنت‌طلبان نه اپوزیسیون جمهوری اسلامی، بلکه آلت‌دست و بازپچه جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور هستند. رضا پهلوی به اصطلاح «شاهزاده» این طیف ورشکسته سیاسی و اجتماعی است که به هر کسی و هر جایی دخیل می‌بندد تا شاید به نان و نوای بیش‌تری برسد! یک روز به سردار مدحی، روز دیگر به دیوار ندبه اسرائیل (مقدس‌ترین مکان یهودیان) و نخست وزیر کودک‌کش و نسل‌کش اسرائیل «بنیامین نتانیاها» و رئیس جمهور فاشیست امریکا «دونالد ترامپ» و روز دیگر هم به یک «حزب‌اللهی» به نام «نصیری»! فردا به چه کسی و چه فردی دخیل خواهند بست تا شاید بخت اقبالش باز شود روشن نیست و فعلاً باید منتظر بماند!

چهارشنبه پنجم دی- جدی- ۱۴۰۳- بیست و پنجم دسمبر ۲۰۲۴